عنوان:

صدقه

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | t-251 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/رذائل و فضائل/فضائل/سطح شناخت |
| برچسب | تزکیه، تربیت نفس، فضائل، صدقه، انفاق، امام خمینی |
| توضیحات |  |

از سنن رسول اكرم، صلّى اللّه عليه و آله و سلّم، كه آن عبارت است از صدقه و جهد نمودن در آن، پس آن نيز يكى از مستحبات است كه كمتر در اعمال مستحبه به پايه آن مى‏باشد. و اخبار در موضوع صدقه، حتى بر خارج از مذهب و بر حيوانات برّى و بحرى، بيش از آن است كه در اين مختصر بگنجد، و ما به ذكر بعضى از آن اكتفا مى‏كنيم.

محمّد بن يعقوب بإسناده عن عبد اللّه بن سنان في حديث قال قال أبو عبد اللّه،عليه السّلام: ليس شي‏ء أثقل على الشّيطان من الصّدقة على المؤمن، و هو تقع في يد الرّبّ تبارك و تعالى قبل أن تقع في يد العبد.[1] «ابن سنان گويد فرمود حضرت صادق، عليه السلام: هيچ چيز گرانتر نيست بر شيطان از صدقه بر مؤمن. و آن واقع شود در دست پروردگار تبارك و تعالى، پيش از آنكه واقع شود در دست بنده.» و بإسناده عن أبي عبد اللّه، عليه السّلام، في حديث قال: إنّ اللّه لم يخلق شيئا إلاّ و له خازن يخزنه إلاّ الصّدقة، فإنّ الرّبّ يليها بنفسه. و كان أبي إذا تصدّق بشي‏ء، وضعه في يد السّائل، ثمّ ارتدّه منه فقبّله و شمّه ثمّ ردّه في يد السّائل.[2] «فرمود حضرت صادق، عليه السلام: خداى تعالى خلق نفرمود چيزى را مگر آنكه از براى او نگاهبانى است كه او را نگاهدارى كند، مگر صدقه را كه خداى تعالى نگاهدارى آن را خود فرمايد. و پدرم وقتى صدقه مى‏داد، مى‏گذاشت آن را به دست سائل، پس از آن، آن را از او پس مى‏گرفت و مى‏بوسيد و مى‏بوييدش، پس از آن به سائل ردّ مى‏فرمود.» و قريب به مضمون اين حديث چندين حديث ديگر وارد است،[3] و دلالت بر بزرگى شأن و عظمت رتبه صدقه دارد كه خداى تبارك و تعالى امر آن را به كس ديگر محول نفرموده و خود بايد قدرت و احاطه قيوميه خود حافظ صورت كامله غيبيه آن گرديده.

و تدبر در اين حديث شريف و امثال آن، كه در ابواب متفرقه كتب اصحاب، رضوان اللّه عليهم اجمعين، منقول است، براى اهل معرفت و اصحاب قلوب كشف توحيد فعلى و تجلى قيومى حق را مى‏نمايد. و اشاره به نكته مهمه‏اى است كه توجه به آن براى كسانى كه قيام به اين امر مهم مى‏كنند خيلى لازم است. و آن آن است كه انسان بفهمد تصدق در دست كه واقع مى‏شود، كه نعوذ باللّه اگر منت و اذيتى در دادن صدقه از انسان نسبت به فقير واقع شود، اوّل به حق تبارك و تعالى واقع شود، پس از آن به سائل، چنانچه اگر تواضع و فروتنى كند و از روى كمال خضوع و مذلت صدقه را به سائل مؤمن تقديم كند، براى حق تعالى كرده، چنانچه عالم آل محمد، صلّى اللّه عليه و آله، و عاشق جمال حق تعالى، جناب باقر العلوم، عليه السلام، صدقه را پس از وقوع در دست سائل مى‏بوييد و مى‏بوسيد و استشمام رايحه طيبه محبوب از آن مى‏كرد. و خدا مى‏داند براى آن ذات مقدس و عاشق‏ مجذوب چه راحت نفس و سكونت خاطرى پيدا مى‏شود، و چه طور آن اشتعالات قلبيه و احتراقات شوقيه باطنيه [را] اين عشقبازى خاموش مى‏كرد.

افسوس و هزاران افسوس! كه اين نويسنده مستغرق در بحار هواى نفس و مخلّد بر ارض طبيعت و گرفتار شهوات و اسير بطن و فرج و بيخبر از ملك هستى و مست خودى و خود پرستى در اين عالم آمد و عن قريب خواهد رفت و از محبت اوليا هيچ ادراك نكرد و از جذبات و جذوات و منازل و مغازلات آنها هيچ نفهميد، و وقوفش در اين عالم وقوف حيوانى و حركاتش حركات حيوانى و شيطانى بود. اگر چنين باشد، مردنش نيز مردن حيوان و شيطان است.

و بإسناده عن أبي عبد اللّه، عليه السّلام، قال قال رسول اللّه، صلّى اللّه عليه و آله: أرض القيامة نار ما خلا ظلّ المؤمن فإنّ صدقته تظلّه.[4] «فرمود حضرت صادق، عليه السلام، كه حضرت رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله فرمود: زمين قيامت آتش است، مگر سايه مؤمن و جوار آن كه صدقه او را سايه اندازد و حفظ نمايد.»

[1] فروع كافى، ج 4، ص 3،« كتاب الزكاة»،« باب فضل الصدقة»، حديث 5.

[2] فروع كافى، ج 4، ص 9- 10،« كتاب الزكاة»،« باب صدقة الليل»، حديث 3.

[3] مستدرك الوسائل، ج 7، ص 164- 166،« كتاب الزكاة»، باب 4 از« ابواب الصدقة»، حديث 1- 6.

[4] فروع كافى، ج 4، ص 3،« كتاب الزكاة»،« باب فضل الصدقة»، حديث 6.

**مطالب بیشتر**

اللّهمّ إليك المشتكى و عليك المعوّل. [1] خداوندا، تو خود ما را به نور هدايتت دستگيرى فرما و از اين خواب سنگين بيدار فرما و به عالم غيب و نور و دار بهجت و سرور و خلوت انس و محفل خاص دعوت كن.

و در روايت است كه «صدقه را خداى تعالى تربيت فرمايد مثل شماها كه بچه شتر را تربيت مى‏كنيد. و اگر نصف خرما صدقه دهيد، خداى تعالى آن را تربيت مى‏فرمايد و در روز قيامت آن را مى‏دهند به بنده در صورتى كه مثل كوه احد يا بزرگتر از آن است.» [2] و از اين قبيل حديث بسيار است. و در احاديث كثيره وارد است كه صدقه مردنهاى بد را دفع مى‏نمايد، [3] و روزى را نازل مى‏كند، [4] و قرض را ادا مى‏كند، [5] و عمر را زياد كند، و هفتاد طور مردن بد را دفع كند، [6] و خداى تعالى عوض آن را از ده تا صد هزار عطا فرمايد، [7] و اسباب زيادت مال گردد، [8] و در صبح هر كس صدقه دهد، از بلاهاى آسمانى در آن روز ايمن گردد، و اگر در اوّل شب بدهد، از بلاهاى آسمانى در آن شب ايمن باشد، [9] و مداواى مريضها با صدقه شود، [10] و اگر كسى اهل بيت مسلمى را كفايت كند، گرسنگى آنها را رفع كند و بدن آنها را بپوشاند و آبروى آنها را حفظ كند، از هفتاد حج محبوبتر است، با آنكه يك حج از هفتاد عتق رقبه بالاتر است، [11] با آنكه در عتق رقبه وارد است كه هر كس بنده‏اى را آزاد كند، خداوند به هر عضوى از آن عضوى از او را از آتش جهنم‏ آزاد فرمايد، [12] و حضرت امير المؤمنين (ع) هزار بنده آزاد فرمود از كدّ يمين خود، [13] و غير ذلك كه ذكر آنها موجب تطويل شود.

[1] «بار خدايا، شكوه به سوى تو برند و بر تو اعتماد كنند.»

[2] قال: فسكت أبو عبد اللّه (ع) ساعة ثمّ قال: قال اللّه تعالى: إنّ من عبادي من يتصدّق بشقّ تمرة فأربيها له كما يربّى احدكم فلوّة حتى أجعلها مثل جبل أحد. بحار الانوار، ج 93، ص 122- 123، «كتاب الزكاة»، باب 14. حديث 30.

[3] قال رسول اللّه (ص): الصّدقة تدفع ميتة السّوء. فروع كافى، ج 4، ص 2، «كتاب الزكاة»، «باب فضل الصدقة»، حديث 1. و ص 5، «باب ان الصدقة تدفع البلاء» حديث 3.

[4] قال أبو عبد اللّه (ع) لمحمّد ابنه: يا بنىّ كم فضل معك من تلك النفقة؟ قال: أربعون دينارا. قال: أخرج فتصدّق بها قال: إنّه لم يبق معي غيرها. قال: تصدّق بها، فإنّ اللّه عزّ و جلّ يخلصها، أما علمت أنّ لكلّ شي‏ء مفتاحا و مفتاح الرّزق الصّدقة؟ فتصدّق بها. ففعل. فما لبث أبو عبد اللّه (ع) عشرة أيّام حتّى جاءه من موضع أربعة آلاف دينار. فقال: يا بنىّ أعطينا للّه أربعين دينارا، فأعطانا اللّه أربعة آلاف دينار. (حضرت صادق (ع) به پسر خود، محمد گفت: «فرزندم، از آن پول چه قدر براى تو باقى مانده است؟» گفت: «چهل دينار.» فرمود: «بيرون برو و آن را ببخش.» گفت: «همين مقدار برايم مانده است.» فرمود: «آن را ببخش كه خداوند عز و جل جاى آن را پر مى‏كند. آيا ندانستى كه هر چيزى را كليدى است و كليد روزى بخشش است؟ پس آن را ببخش.» محمد آن را بخشيد. ده روز بر حضرت صادق (ع) بگذشت كه از جايى چهار هزار دينار براى وى رسيد. پس به فرزند خود گفت: «فرزندم، براى خدا چهل دينار انفاق كرديم خداوند چهار هزار دينار به ما باز گرداند.») و از هفتمين پيشواى شيعيان نقل است كه فرمود: استنزلوا الرزق بالصدقة. (با بخشش روزى را از آسمان طلب كنيد.) فروع كافى، ج 4، ص 9- 10، «كتاب الزكاة»، «باب في أنّ الصدقة تزيد في المال»، حديث 3- 4.

[5] امام صادق (ع) فرمود: إنّ الصّدقة تقضى الدّين و تخلف بالبركة. بخشش ديون را از گردن مى‏افكند و مالها را با بركت مى‏گرداند.» منبع پيشين، ص 9، حديث 1.

[6] عن أبي جعفر (ع) قال: البرّ و الصّدقة ينفيان الفقر و يزيدان في العمر و يدفعان تسعين [خ: سبعين‏] ميتة السّوء. فروع كافى، ج 4، ص 2، «كتاب الزكاة»، «باب فضل الصدقة»، حديث 2.

[7] عن أبي جعفر (ع) في قول اللّه عزّ و جلّ: «فأمّا من أعطى و اتّقى و صدّقه بالحسنى» (ليل- 5) قال: و إنّ اللّه يعطي بالواحدة عشرة إلى مأة ألف فما زاد الحديث. وسائل الشيعة، ج 6، ص 256، «كتاب الزكات»، «ابواب الصدقة»، «باب 1»، حديث 5.

[8] پيامبر (ص) فرمود تصدّقوا، فإنّ الصّدقة تزيد في المال كثرة ... (صدقه دهيد صدقه مال را فزونى دهد.) فروع كافى، ج 4، ص 9، «كتاب الزكاة»، «باب في أن الصدقة تزيد في المال»، حديث 2.

[9] پيامبر (ص) فرمود: من سرّه أن يدفع اللّه عنه نحس يومه، فليفتتح يومه بصدقة، يذهب اللّه بها عنه نحس يومه. و من أحبّ أن يذهب اللّه عنه نحس ليلتة، فليفتتح ليلته بصدقة، يدفع اللّه عنه نحس ليلته ... (هر كس دوست مى‏دارد كه خدا شومى روز وى را از او دور دارد، روز خود را با صدقه آغاز كند، كه به سبب آن خداوند شومى آن روز را ببرد. و هر كه دوست دارد كه خدا شومى شب وى را ببرد، شبش را با صدقه آغاز كند كه خداوند به سبب آن شومى آن شب را از او دور كند.) فروع كافى، ج 4، ص 70، «كتاب الزكاة»، «باب أنّ الصدقة تدفع البلاء»، حديث 9.

[10] امام صادق (ع) فرمود: داووا مرضاكم بالصّدقة ... (بيماران خود را با صدقه درمان كنيد.) فروع كافى، ج 4، ص 3، «كتاب الزكاة»، «باب فضل الصدقة»، حديث 5.

[11] امام باقر (ع) فرمود: لأن أحجّ حجّة أحبّ إلىّ من أن أعتق رقبة و رقبة. (حتّى انتهى إلى عشرة، و مثّلها و مثّلها حتّى انتهى إلى سبعين.) و لأن أعول أهل بيت من المسلمين أشبع جوعتهم و أكسو عورتهم و أكفّ وجوههم عن النّاس أحبّ إلىّ من أن أحجّ حجّة و حجّة و حجّة، (حتّى انتهى إلى عشر و عشر و عشر، و مثّلها حتّى انتهى إلى سبعين.) اگر يك حج به جاى آورم خوشتر دارم از آنكه بنده‏اى آزاد كنم و بنده‏اى ديگر، (امام تا ده بار آن را تكرار كرد و ادامه داد تا به هفتاد رسيد.) و اگر نفقه خانواده‏اى مسلمان را تعهد كنم و آنان را سير گردانم و تنشان را بپوشانم و آبرويشان را نزد مردم نگاه دارم، خوشتر دارم از آنكه حجى به جاى آورم و حجى ديگر و حجى ديگر. (و تا ده بار آن را تكرار كرد و ادامه داد تا به هفتاد رسيد.) فروع كافى، ج 4، ص 2 «كتاب الزكاة»، «باب فضل الصدقة» حديث 3.

[12] عن جعفر بن محمّد (ع) أنّه قال في الرّجل يعتق المملوك يعتق اللّه عزّ و جلّ بكلّ عضو منه عضوا من النّار.

وسائل الشيعة، ج 16، ص 2، «كتاب العتق»، باب 1، حديث 1.

[13] از امام صادق (ع) در حديثى بلند مروى است: و لقد أعتق علىّ، عليه السلام، ألف مملوك لوجه اللّه عزّ و جلّ، و برت [دبّرت‏] فيهم يداه. (على (ع) براى خشنودى خداوند عز و جل هزار بنده را از دسترنج خود آزاد كرد.) منبع پيشين، ص 3، حديث 3.

امام خمینی (ره)، چهل حديث(اربعين حديث)، ص: 490

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور